

تحلیل ظرفیت‌های سیاست‌گذاری نهاد خانواده در ایران برای گسترش اشکال مشروع خانواده^۱

مینا عزیزی^۲، سیدحسین حسینی^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۲/۱۴، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۱۵)

چکیده

با توجه به تغییراتی که در سال‌های اخیر در حوزه خانواده و به‌ویژه در قالب شکل‌هایی از هم‌زیستی شاهد بوده‌ایم، و با در نظر گرفتن اولویتی که نظام جمهوری اسلامی برای تداوم و تقویت اشکال مشروع خانواده قائل است، پرداختن به موضوع منابع و موانع مشروعیت در صورت‌های سنتی خانواده و این زیست‌های نوظهور ضروری می‌نماید. در این مقاله کوشیده‌ایم با مرور نظریه‌های موجود در این حوزه و با استفاده از روش مصاحبه تخصصی با نخبگانی از طیف‌های فکری گوناگون، از یک‌سو، و تحلیل نظرهای آنها در نسبت با مبانی نظری مرور شده، از سوی دیگر، به درک بهتری از روند تغییرات حوزه خانواده، منابع و موانع مشروعیت اشکال متنوع خانواده، نسبت رویکردهای سیاست‌گذارانه و اشکال مشروعیت‌بخشی در شکل‌گیری ازدواج و نیز بدیل‌های حمایت از آئینه نهاد خانواده در ایران برسیم. نتایج این مطالعه حاکی از این واقعیت است که همچنان روزه‌های امیدوارکننده‌ای برای گشایش‌های نظری، مفهومی و اعتقادی وجود دارد و می‌توان با فراهم کردن امکان گفت‌وگو میان سنت‌های نظری موجود، بر مقبولیت اقدام به تشکیل خانواده در میان جوانان نسل حاضر افزود.

واژگان کلیدی: خانواده، سیاست‌گذاری، هم‌زیستی، هم‌خانگی، مشروعیت.

۱. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مینا عزیزی در رشته جامعه‌شناسی استخراج شده است که با عنوان «تحلیل سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده در ایران با تأکید بر نسبت ازدواج و هم‌زیستی» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نوشته شده است.

mina.azizi@ut.ac.ir

۲. کارشناس‌ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)

shhoseini@ut.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

طی سال‌های اخیر، شاهد انواعی از زیست مشترک میان زنان و مردان مجرد زیر یک سقف هستیم که با عنوان‌های مختلفی چون هم‌زیستی^۱ از آنها یاد می‌شود. مواجهه با این پدیده‌های نوظهور محصول روندهای متأخر دوران مدرن است که به‌مرور جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد و جامعه ما نیز از آنها مصون نیست. جوامع گوناگون همواره از قواعدی کلی پیروی می‌کنند. تجربه جوامع دیگر نیز نشان می‌دهد که با وجود مقاومت در برابر مسائل اجتماعی جدید، جوامع، هرچند با تقدم و تأخرهای زمانی متفاوت، از تجربیات جدید در عرصه‌های گوناگون به‌عقب باز نمی‌گردند. مثال آن، افزایش طلاق است که باید گفت دیگر هرگز نمی‌توان خانواده را به آن میزان ثبات در شکل سنتی برگرداند، بلکه باید آن را در مسیری هدایت کرد که آسیب‌زا بودنش تا حد ممکن کاهش یابد. بنابراین، اگر وضع قواعدی برای این پدیده‌های اجتماعی جدید ضروری است، باید هرچه سریع‌تر به دنبال شناخت مسئله و شناسایی راه‌کارهایی برای کم‌کردن آسیب آنها بود.

مقاله حاضر، به‌منظور درک بهتر چگونگی سیاست‌گذاری‌های حوزه خانواده و تحلیل تناسب آن با واقعیات جاری، به گفت‌وگو با متخصصان حوزه خانواده پرداخته و با بازخوانی و مرور اهداف و خصوصیات انواع مشروع و قانونی ازدواج، الگوی هم‌زیستی را در نسبت با این اشکال پذیرفته‌شده کاویده است.

پیشینه پژوهش

لطیفی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود به اقسام جدیدی از استقلال از خانه پدری اشاره می‌کند که دیگر مانند گذشته لزوماً با ازدواج اتفاق نمی‌افتد و هم‌زیستی با فرد غیرهم‌جنس را در کنار زندگی مجردی (به‌تنهایی) یکی از اشکالی می‌داند که اخیراً در ایران و به‌ویژه در شهرهای بزرگ رواج یافته است. او با استناد به روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، به این مسئله اشاره می‌کند که برخلاف تصور عمومی درباره قواعد و باورهای حاکم بر زندگی مستقل، یا دانشجویی و نسبتاً مستقل، و به‌دور از خانواده، این شکل از زندگی برای افراد با آشفتگی محض و از دست رفتن تمام بنیان‌های اخلاقی، معنوی و فکری مترادف نیست. در واقع، نتایج کار لطیفی واجد این معنای مهم است که حتی ممکن است در این جدایی‌ها مزایایی نهفته باشد که در تقویت «فرد» مؤثر باشند.

1. Cohabitation

آزادارمکی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران» به وجود هم‌زیستی، غیرقانونی بودن آن و بیم افراد هم‌زیست از مواجهه با قضاوت عمومی و نیز امتناع اغلب مسئولان از توجه به پدیده‌های نوظهور پرداخته‌اند. به‌زعم آنها، همین مسئله باعث شده است که هرگز آمار رسمی‌ای از این الگوهای «شبه‌خانواده» منتشر نشود.

در باب ضرورت پرداختن به مسئله مشروعیت، میشل در اثرش از دو گونه اصلی خانواده شرعی و خانواده مبتنی بر هم‌زیستی یاد می‌کند (میشل، ۱۳۵۴: ۱۶۶). در توصیف تمایل روبه‌گسترش به الگوی هم‌زیستی، سخن از مطالبه «حق‌گزینش» این الگو به‌مثابه شیوه‌ای از زندگی مشترک است. «اینکه عده‌ای نسبت به ازدواج بی‌اعتنا هستند و از نظر آنها ازدواج با ارزش‌های سوداگرانه ننگین شده است، به‌خاطر مطالبه حق زندگی با اتحاد آزاد (هم‌زیستی) است که در آن می‌توان در جست‌وجوی مبادله پایاپای کامل زن و مرد بود» (همان، ۱۸۳).

سگالن نیز یادآور می‌شود که تحول الگوهای ازدواج را می‌توان از منظر شکل‌گیری جنبش‌های اصلاح دینی نیز مطالعه کرد. توأم‌شدن تحولات دینی با شکل‌گیری مکاتب جدیدی که حقوق انسان‌ها را از دریچه‌های طبیعی و غیرقدسی می‌نگریستند، در گشایش بیشتر فضا برای ظهور الگوهای تازه زندگی مشترک مؤثر بود. به‌تدریج، الگوی مقبول کلیسا، به‌واسطه عدم تناسب با واقعیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود، رو به افول می‌گذاشت و امکانی هم برای احیای گفت‌وگو میان علایق عام و مطلوبات کلیسا فراهم نمی‌شد (سگالن، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

حسینی (۱۳۸۶) حضور عینی یا ضمنی عامل دین را در موضوع الگوهای خانواده یادآور شده است، درحالی‌که در تعریف کسانی چون کوئن و گود، سخن از دینی‌بودن پیمان زناشویی است. مالینوفسکی (میشل، ۱۳۵۴) نیز قاعده عام مشروعیت را مطرح کرده که دین را در کنار عرف و قانون به‌منزله یکی از منابع تحقق مشروعیت می‌پذیرد. حسینی، پس از مرور تعاریف گوناگون، ازدواج را پیوند جسمانی و مشترکی می‌داند که به تأیید قانون، عرف یا دین رسیده باشد.

«نکته اصلی و بارز این تعریف، عرفی و قانونی‌شناخته‌شدن این پیوند است که به رابطه زن و مرد مشروعیت می‌بخشد... این پیوند به‌عنوان یک مجوز رسمی و قانونی، زن و مرد را مجاز به داشتن روابط جنسی و زناشویی می‌داند و نسبت به یکدیگر متعهد می‌سازد و از روابط آنها، که به تشکیل خانواده می‌انجامد، حمایت می‌کند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵).

استدلال حسینی مهم است؛ زیرا دین را، به مثابه یکی از منابع تأمین مشروعیت ازدواج، به مدار تحلیل جامعه‌شناختی باز می‌گرداند.^۱ او با طرح مقوله مشروعیت، متذکر می‌شود که عمومیت این امر، چنان‌که مالینوفسکی نیز ادعا می‌کند، برآمده از ضرورت شناسایی رابطه نامشروع و طرد آن در بسترهای عرفی، قانونی و شرعی است و در نتیجه، عوامل متنوع زمانی و مکانی در تشخیص رابطه نامشروع مؤثرند (همان، ۷۵).

رویکردهای نظری کلیدی

الگوی نظری تورنتون و همکاران

الگوی تورنتون و همکاران (۲۰۰۷) سه مقوله تجرد، همزیستی و تأهل را بررسی کرده و برای تعیین نسبت میان آنها پنج حالت اصلی و ممکن شناسایی کرده است: نخستین نسبت، تجرد و همزیستی را از جهت تضاد با تأهل یکسان می‌شمرد. نسبت دوم، تأهل و همزیستی را از جهت تضاد با تجرد یکسان می‌داند. در نسبت سوم، تأهل و همزیستی جایگزین‌های مستقلی برای تجرد هستند. نسبت چهارم، تأهل و همزیستی را درجاتی مختلف از شریک‌گزینی جنسی می‌داند. نهایتاً، در نسبت پنجم، تأهل بخشی از فرآیند تحقق تأهل است. بررسی دقیق‌تر این نسبت‌ها، در گرو توجه به شئون و دلالت‌های حقوقی و اجتماعی برآمده از آنهاست. به همین واسطه نیز هست که پس از طرح الگوی تورنتون و همکاران، به سراغ دورکیم و پارسونز رفته‌ایم. در حالی که دورکیم بنابر نظریه تقسیم‌کار خود به ارائه شرحی از خصوصیات خانواده مدرن می‌پردازد، پارسونز تصویری آرمانی از خانواده را مرکز بحث خود قرار داده و از تأملات حقوقی دورکیم صرف‌نظر کرده است.

نسبت	شرح
تضاد همسان تجرد و همزیستی ^۲ با ازدواج	تأکید بر مزیت تاریخی ازدواج، نفی ضمنی تفاوت همزیستی با تجرد و تفرّد، پذیرش انحصاری ازدواج به مثابه گذار از حالت فردیت به زندگی خانوادگی، انکار چالش‌های حقوقی و اجتماعی مبتلا به همزیستی

۱. تأکید بر عنصر دین از این جهت برای ما اهمیت دارد که در نظام جمهوری اسلامی ایران عامل دین جایگاهی فراتر از بقیه مؤلفه‌های فرهنگ یافته است. این در حالی است که در ادبیات معمول جامعه‌شناختی، تحولات حوزه دین از اقسام تحولات فرهنگی قلمداد می‌شود و احتمالاً به همین واسطه نیز هست که در مباحث متأخر در باب همزیستی نشان چندانی از چالش این الگوی زندگی با نهاد دین نمی‌توان یافت.

2. Cohabitation

تحلیل ظرفیت‌های سیاست‌گذاری نهاد خانواده در ایران برای گسترش اشکال مشروع خانواده

نسبت	شرح
تضاد همسان تأهل و هم‌زیستی با مجرد	ترفیع جایگاه هم‌زیستی، نفی ضمنی مزیت‌های ازدواج، یادآوری کارکردها و عملکردهای یکسان یا مشابه هم‌زیستی و ازدواج، پذیرش هم‌زیستی و ازدواج به‌مثابه بدیل‌های گذار از فردیت به حیات خانوادگی، انکار مزیت‌های عرفی، اجتماعی و حقوقی ازدواج
تأهل و هم‌زیستی به‌مثابه جایگزین‌های مستقل مجرد	لحاظ تفاوت‌های قطعی هم‌زیستی با ازدواج و مجرد، پذیرش چالش‌های حقوقی و اجتماعی مبتلابه هم‌زیستی، تعریف دو فرآیند مجزای گذار از فردیت به تأهل و گذار از فردیت به هم‌زیستی، برشماری هم‌زیستی و تأهل به‌مثابه الگوهای مستقل حیات خانوادگی، تأکید بر تفاوت‌های هنجاری موجود میان ازدواج و هم‌زیستی، عدم توضیح روند تبدیل هم‌زیستی به ازدواج
تأهل و هم‌زیستی همچون درجاتی از شریک‌گزینی	پذیرش هم‌زیستی و ازدواج به‌مثابه الگوهای حیات خانوادگی، برشماری ازدواج و هم‌زیستی به‌منزله جایگزین‌های اقتضایی تفرد و مجرد، توجه به سکونت مشترک به‌مثابه نقطه عطف گذار از مجرد به حیات خانوادگی، لحاظ اهمیت نسبت هم‌زیستی به ازدواج، تمایز هم‌زیستی از روابط غیرپاینده یا نه‌چندان جدی، عدم لحاظ واقعیات حاکم بر فرآیندهای تصمیم‌گیری
هم‌زیستی همچون مرحله‌ای از فرآیند تحقق تأهل	مبتنی بر فرض هم‌زیستی به‌مثابه مرحله‌ای از اختیار تأهل، تعریف ازدواج به‌منزله غایت هم‌زیستی موفق، تعیین واحدهای خانوادگی برپایه میزان نهایی شدن ازدواج‌ها

پنج‌گانه تفرد، هم‌زیستی و ازدواج (تورنتون و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۳-۹۸)

پارسونز و خانواده آرمانی

پارسونز با پذیرش نظریه دورکیم مبنی بر کاهش شدید کارکردهای اجتماعی و اقتصادی نهاد خانواده در جامعه مدرن، خانواده را در نظریه نظام اجتماعی^۱ قرار داد. کارکردگرایی ساختاری^۲ پارسونز به خانواده به‌مثابه محیط اجتماعی کردن فرزندان و حفظ شخصیت بزرگسالان جایگاهی

1. Social System
2. Structural Functionalism

بی‌بدیل بخشید (برناردز، ۱۳۸۴: ۷۵). از نظرگاه پارسونز، وجود رابطه تکمیلی میان نقش‌های بیانگر و ابزاری به آن معناست که وجود گونه‌ای از «تعالی»^۱ در خانواده ضروری است که فقدان آن تهدیدزا است. پارسونز عقلانیتی را که سبب شکل‌گیری الگوی هسته‌ای می‌شود مبنای استدلالی محافظه‌کارانه قرار داده که عملاً زنان را از تلاش برای تغییر جایگاه فردی و اجتماعی‌شان دور نگاه می‌دارد. الگوی پارسونز با مناقشه جدی منتقدان مواجه است. اگر منطق تقسیم کار در خانواده، به واسطه ضرورت‌های گوناگون، نیازمند تغییر باشد، امکان پافشاری بر الگوی مطلوب پارسونز وجود نخواهد داشت.

راپاپورت‌ها و بازگشت به منطق تقسیم کار جنسیتی

الگوی خانواده دوشغلی راپاپورت‌ها (سگالن، ۱۳۸۸)، در رویکردی متعارض با الگوی پارسونز، در صدد بررسی تنش‌های ناشی از تغییر نقش‌های جنسیتی متعارف در خانواده برآمده است. راپاپورت‌ها به تصمیم مهمی اشاره می‌کنند که گروه خانوادگی درباره خروج از کلیشه‌های جنسیتی خود می‌گیرد. آنها بدیل‌های پیش‌روی این تصمیم را با توجه به سود و زیان‌های مترتب بر هر یک فهرست کرده‌اند. اهمیت چنین الگوهایی در تأکید بر نقضی است که پارسونز با غفلت از بقیه شکل‌های زندگی خانوادگی به رویکرد مبتنی بر تقسیم کار وارد کرده است. راپاپورت‌ها، با آگاهی از معضلات ناشی از نزدیک شدن نقش‌های همسران، نشان می‌دهند که نظام خانوادگی برآمده از چنین وضعیتی لزوماً با آشفتگی روبه‌رو نیست، بلکه تعدد میان‌کنش‌ها به افزایش پیچیدگی و به تبع آن، اندیشیدن به دشواری‌هایی می‌انجامد که همسران از آنها آگاه می‌شوند و به فراخور ظرفیت‌های خود، برای سازگاری با آنها برنامه‌ریزی می‌کنند. ممکن است مخالفان تقرب نقش‌های همسری، این دشواری‌ها و مواجهه‌شدن همسران با تضادهای کار و زندگی خصوصی را مستمسکی برای تأکید بر رویکرد خود قرار دهند. با این حال، زوج‌های امروزی با وجود تمام دشواری‌ها این الگو را ترجیح می‌دهند. بنابراین، بازگشت به آنچه دورکیم درباره پیامدهای حقوقی تغییر قواعد تقسیم کار بیان می‌کند ضروری به نظر می‌رسد.

کار راپاپورت‌ها به‌مثابه شکل جدیدی از تقسیم کار خانوادگی مطرح می‌شود که در مقابل خانواده سنتی قرار می‌گیرد و امروزه در ایران نیز شاهد رواج نسبی آن هستیم. به‌علاوه، این نظریه از این جهت که برخی از مهم‌ترین تنش‌های خروج از الگوی متعارف خانوادگی را مطرح می‌کند شایان توجه است؛ به‌ویژه، دقت در این نکته لازم است که دوشغلی‌شدن خانواده احتمالاً

1. Salance

به معنای افزایش بر خورداری اقتصادی و ارتقای سطح رضایت عمومی همسران است. با این حال، چنان‌که سگالن اشاره می‌کند، تأیید تجربی این ادعا چندان هم ساده نیست.

خانواده و ازدواج موقت در جمهوری اسلامی

برای شناخت الگوی اسلامی نهاد خانواده، شرحی را که در کتاب *آسیب‌شناسی نهاد خانواده* (از محصولات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم) عرضه شده است مبنا قرار داده‌ایم. مطابق شرح حق‌شناس (۱۳۸۸)،^۱ نگاه کارکردگرایانه به خانواده منتفی است؛ زیرا زمینه را برای واگذاری تدریجی کارکردهای خانواده به نهادهای دیگر فراهم می‌کند. به بیان دیگر، حق‌شناس خانواده را در رویکرد اسلامی حائز ارزش ذاتی می‌داند، ارزشی که با اقدام به ازدواج، به مثابه عملی دین‌دارانه، محقق می‌شود. به همین ترتیب، باقی‌ماندن در مجرد از نظر حق‌شناس مترادف با تداوم جایگاه نازل شخصیتی است و بنابراین اقدام به ازدواج را نباید به واسطه محدودیت‌های اقتصادی به تأخیر انداخت.

ازدواج موقت در اسلام^۲

به نظر می‌رسد ازدواج موقت جایگزین اصلی ازدواج در اسلام است. حسینی (۱۳۸۶) دو رکن اصلی را برای ازدواج موقت برمی‌شمارد: محدودیت زمانی و پرداخت مالی. نفی هر یک از این ارکان هم به ابطال این رابطه می‌انجامد. پس، نمی‌توان با پرداخت مهریه و بدون تعیین زمان «موقتاً» به ازدواج کسی درآمد و نیز نمی‌توان به ازدواج قید محدودیت زمانی بخشید، اما از تعیین مابه‌ازای مالی آن خودداری کرد. نکته مهم دیگر اینکه حضور مرد در ازدواج موقت «سرپرستانه» نیست. او کسی است که مبلغ مابه‌ازای برقراری این رابطه موقت را پرداخته و مدت بهره‌مندی از این رابطه را نیز توافق کرده و دیگر مسئول تأمین و تهیه هیچ ملزومی در زندگی زن نیست. روشن است که چنین رابطه‌ای به عدم تشبه به ازدواج گرایش دارد؛ زیرا با حذف عنصر تعهد سرپرستی، عملاً، مرد را صرفاً در موقعیت محاسبه مبلغ توافقی مهریه و جلب

۱. برای رویکرد اسلامی قابلیت نظریه‌سازی نیز قائل است (ر.ک: حق‌شناس، ۱۳۸۸: رویکرد اسلامی به خانواده).
۲. اگرچه میان تشیع و تسنن در موضوع حدود کاربردپذیری ازدواج موقت در زمان حاضر تفاوت آشکاری وجود دارد، موضع ما در پژوهش حاضر این خواهد بود که متعه را سنتی اسلامی به حساب آوریم که به فراخور مشخصات و ابعاد می‌توان درصدد ارزیابی آن بود. در واقع، ظرفیت این پژوهش نیز ما را از برجسته‌کردن تفاوت‌های مزبور باز می‌دارد. آنچه اکنون اهمیت دارد طرح متعه به مثابه بدیل شایان تأمل برای طی کردن دوران عدم قابلیت تشکیل خانواده از سوی جریان‌های فکری گوناگون است. این بدیل تباری اسلامی دارد و ما نیز تبار را مفروض می‌داریم.

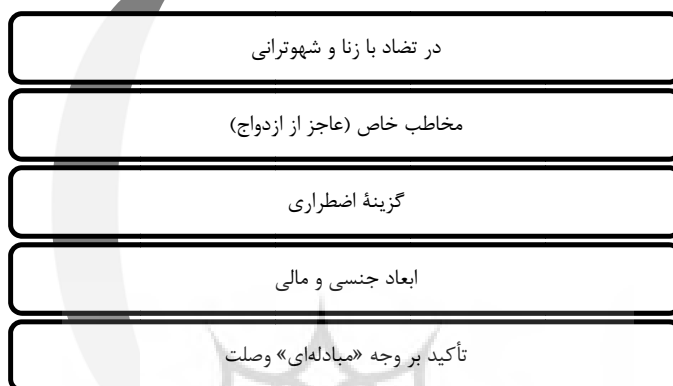
رضایت زن برای آن مدت معین قرار می‌دهد. تحقق چنین رابطه‌ای بی‌شک سهل‌تر از اقدام برای تشکیل خانواده و حتی اقدام برای آغاز رابطه‌ای جدی با قصد ازدواج خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

بنابر آنچه حسینی می‌گوید، عوامل اجتماعی گوناگونی در ایجاد امکان اسلامی ازدواج موقت سهیم بوده‌اند؛ از جمله این عوامل می‌توان به فقر، عدم استقرار و سکونت دائم و مهاجرت مکرر اشاره کرد. نقطه مقابل ازدواج نیز زنا بوده است که در شریعت اسلامی امری به‌غایت مذموم است. رواداشتن تبدیل رابطه پایدار ازدواج به توافق کوتاه‌مدتی که قید شرعی و مالی دارد، معمولاً، برای کسانی که قادر به پذیرش الگوی متعارف خانواده بوده‌اند توجیه‌ناپذیر است. به بیان دیگر، ازدواج موقت را باید سنتی به حساب آورد برای مشروعیت بخشیدن به گزینش شریک جنسی از سوی کسانی که به‌هردلیل، یا اساساً، قادر به تشکیل خانواده نبوده‌اند یا بهره‌مندی آنها از خانواده دچار قوت و ضعف‌های مکرر بوده است. شواهدی که حسینی به آنها اشاره می‌کند نیز بر همین موضوع تأکید دارد. جوانانی که ازدواج دائم از عهده آنان خارج است و نیز متأهلانی که به‌دفعات از خانواده خود دورند، این حق را می‌بایند که با تمسک به متعه^۱ شریک جنسی اختیار کنند.^۲ رجوع به ادبیاتی که متعه را بدیلی اسلامی و در تضاد با زنا و شهوت‌رانی قلمداد می‌کند نیز مؤید همین معانی است. بی‌توجهی به نیاز جنسی یا فرونشاندن عطش آن، از جمله مواردی است که ادبیات مزبور برای جوانان ناممکن، غیرعقلایی یا بعید شمرده است. پس، متعه گزینه‌ای اضطراری است که از بحرانی‌شدن وضعیت مسلمانی که به برقراری روابط جنسی نیاز دارد، و البته نمی‌تواند این رابطه را مقدمه برقراری روابط پایدار خانوادگی کند، جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد مخاطب متعه کسانی باشند که می‌توانند از خود در برابر گزینه ازدواج و تشکیل خانواده سلب مسئولیت کنند. با همین منطبق، و همچنان که شواهد متعدد حاکی از آن است، وقتی متعه مورد استفاده کسانی قرار می‌گیرد که از تعلق و بهره‌مندی خانوادگی برخوردارند، ممکن است با واکنش منفی کسانی مواجه شود که این ساختار منقطع، موقت و موازی را در تضاد با ساختار پایدار خانواده می‌بینند. سفارش‌های مکرر

۱. معنای لغوی متعه بهره‌مندی است که به‌خوبی نشان‌دهنده چستی آن نیز هست. جالب توجه اینکه برخی فقها از کاربرد متعه خودداری کرده‌اند و به کاربرد تعابیری چون نکاح منقطع روی آورده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که استفاده از واژه متعه دلالت بر تأکید بر هدف جنسی برقراری رابطه دارد، درحالی‌که نکاح منقطع تعبیری است که چنان هدف‌گذاری آشکاری در آن قابل تشخیص نیست (ر.ک: محقق دایکندی، ۱۳۸۶).

۲. دقت در این نکته ضروری است که برای متعه استناد قرآنی آورده می‌شود. در آیه چهاردهم سوره نساء به صراحت مسلمانان به پرداخت اجرت زنانی که با آنها ازدواج کرده‌اند فراخوانده شده‌اند.

اسلام مبنی بر تقویت روابط مبتنی بر محبت و وفای به عهد در خانواده، شاهد دیگری است بر اینکه توازی دست‌کم در دایره «مفروضات» دین نمی‌گنجد.



مشخصات اصلی متعه

میرخانی (۱۳۷۹) بر این باور است که تعریف متعه، به‌شکلی که بسیار سهل و در دسترس همگان باشد، ممکن است به نتیجه‌ای متضاد با نیت حاکم بر وضع اولیه آن بینجامد. بنابر ادعای میرخانی، خصوصیات ازدواج موقت برانگیزاننده تعلق خاطر به روابط پایدار نیست و به‌همین دلیل، حتی تعدد روابط جنسی در متعه نیز مترادف با گرایش تدریجی به تلاش برای تبدیل این رابطه موقت به دائم نیست. واقعیت این است که مسئله ممکن است حادث از این نیز باشد؛ بدین ترتیب که تسهیل و ترویج متعه فرهنگ و رفتاری را رواج دهد که فرهنگ رسمی به‌دنبال مقابله با آن بوده است. کاملاً ممکن است متعه به ابزاری تبدیل شود برای بهره‌جویی‌های جنسی مکرری که تفسیر شریعی آنها را گناه قلمداد نمی‌کند، درحالی‌که عرف جامعه چیزی جز ناپاکی در آن نمی‌یابد. پس، می‌توان، با اطمینان، از وجود شکافی سخن گفت که میان خوانش «صرفاً شریعی» یا شریعت‌محور از متعه، با دیدگاه‌های عرفی و حتی حقوقی وجود دارد. وجود چنین شکافی ضرورتاً مترادف با عدم جمع دیدگاه‌های موجود، به‌مثابه دیدگاه‌های متناقض با یکدیگر، نیست، بلکه نشان‌دهنده نیاز به تشخیص تناقض‌هایی است که میان وجوه نظری و کاربردی متعه وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که تا حدی بتوان این تناقض را برطبق آنچه میرخانی «امکان سوءاستفاده از تسهیل ازدواج موقت» می‌خواند توضیح داد. در

تحلیل قابلیت‌های استقرار یک قاعده و حکم شرعی^۱، توجه به حد فراهم‌شدن امکان‌های سوءبرداشت و سوءاستفاده از آن قاعده نیز اهمیت فراوانی دارد. میرخانی به این نکته اساسی اشاره می‌کند که جهان معاصر سرشار از برانگیزاننده‌های جنسی متنوعی است که هیچ مهارتی نمی‌پذیرند و بی‌وقفه جوانان را به تجربه جنسی ترغیب می‌کنند. در این صورت، رابطه‌ای که به بیان حسینی صرفاً دو رکن مالی و زمانی دارد، چگونه راه‌گشای چنین جوانانی برای تعدیل گرایش‌های جنسی و عاطفی‌شان خواهد بود؟

به نظر می‌رسد، تمایزی که میرخانی میان سیاست‌گذاری مبتنی بر اضطرار با سیاست‌گذاری مبتنی بر اختیار قائل می‌شود متضاد با رویکردی است که ازدواج موقت را بدیلی می‌داند که به روابط جنسی عفت و پاک‌دامنی می‌بخشد. از مرور عوامل زمینه‌ساز متعه در شرح حسینی نیز می‌توان دریافت که ازدواج موقت گزینه‌ای اضطراری است که نباید جایگاه آن را به گزینه‌ای اختیاری ارتقا داد.

روش‌شناسی

رجوع به نظر تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران، از طریق انجام مصاحبه، به این دلیل صورت گرفت که پژوهش در سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده پیشینه درخور توجهی در ایران نداشت و انجام مصاحبه با حاملان «تجربه زیسته» هم‌زیستی نیز پاسخگوی پرسش‌ها و هدف‌گذاری‌های پژوهش نبود. در عین حال، ارزیابی تعدادی از متخصصان، کارشناسان و فعالان سیاست‌های حمایت از خانواده در ایران، منطقاً، از طریق کاربرد گونه عام مصاحبه عمیق نیز میسر نمی‌نمود. روش «مصاحبه با متخصصان» برگزیده شد که در واقع نوعی مصاحبه نیمه‌استاندارد است و متخصصان حاضر در آن نیز با تأکید بر نمایندگی‌شان از یک گروه یا جریان فکری خاص برگزیده می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۸۳). منطق شناسایی و انتخاب افراد مصاحبه‌شونده برآمده از موضوع پژوهش است. با لحاظ محدودیت‌های پژوهش، صاحب‌نظران و نخبگانی که در این حوزه سوابق نظری و پژوهشی یا اجرایی دارند و می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد، از روش گلوله‌برفی استفاده شده است که از جمله روش‌های رایج در شناسایی نخبگان است (ببی، ۱۳۸۶: ۴۰۶). نهایتاً، با هشت متخصص، کارشناس و فعال حوزه زنان و خانواده مصاحبه شد که از سطح مطلوبی از تنوع مسئولیت‌ها، فعالیت‌ها و گرایش‌ها برخوردار بودند.

۱. متأثر از یا وابسته به شریعت.

تحلیل ظرفیت‌های سیاست‌گذاری نهاد خانواده در ایران برای گسترش اشکال مشروع خانواده

شماره	مشخصات متخصصان ^۱
۱	زن، عضو هیئت علمی دانشگاه، رشته جامعه‌شناسی، نویسنده، پژوهشگر و صاحب‌نظر حوزه زنان و خانواده
۲	زن، عضو هیئت علمی دانشگاه، رشته مدیریت فرهنگی، نویسنده، مترجم و پژوهشگر حوزه زنان و خانواده
۳	مرد، اجرایی/ دانشگاهی، پژوهشگر، دارای سابقه همکاری با حوزه علمیه و مراکز قانون‌گذاری و دولتی
۴	زن، مسئول اجرایی در حوزه بانوان و جوانان، مجمع تشخیص مصلحت نظام
۵	زن، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده، قرآن‌پژوه، فعال رسانه‌ای مدنی
۶	زن، دکتری جامعه‌شناسی- فعال رسانه‌ای مطبوعاتی
۷	زن، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده، فعال رسانه‌ای مدنی و حقوقی
۸	مرد، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده، فعال رسانه‌ای مدنی و حقوقی

پرسش‌های مطرح‌شده در تمام مصاحبه‌ها «معرفتی»^۲ و در مسیر افزایش دانش لازم برای ارزیابی سیاست‌های تحت مطالعه بودند.^۳ به‌منظور ارزیابی سیاست‌ها، از روش مصاحبه عمیق^۴ استفاده کرده‌ایم. روش ما در تحلیل مصاحبه‌ها، به‌فراخور موضوع مطالعه و ضرورت طرح جزئیات برخی دیدگاه‌ها، «تلخیص معنایی»^۵ بوده است که بنابر تعریف، عبارت است از خلاصه‌بندی معانی بیان‌شده در قالب فرمول‌ها و جملات کوتاه‌تر. در این روش تحلیل، عبارت‌های طولانی‌تر به عبارت‌های کوتاه‌تری تبدیل می‌شوند که مفاهیم در آنها از نو صورت‌بندی^۶ شده‌اند.

یافته‌ها و نتایج تحلیل

بررسی نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با متخصصان و بازخوانی آنها در گفت‌وگو با نتایج تحلیل سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده در دامنه‌یابی تحلیل نهایی نقش مهمی دارد. موضوعات

۱. در متن مقاله هر کدام از افراد با تخصص و شماره اختصاص یافته در جدول مشخص شده‌اند.

2. Knowledge Questions

۳. پرسش‌هایی برای اطلاع از آنچه پاسخگو می‌داند یا با توجه به دانسته‌هایش ابراز می‌کند (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

4. In-Depth Interview

5. Meaning Condensation

6. Rephrasing

اصلی‌ای که طی مصاحبه با متخصصان به آنها پرداخته شد در جدول ذیل آمده و در ادامه، به تفکیک موضوع، به آرای این صاحب‌نظران پرداخته شده است.

موضوعاتی که در مصاحبه با متخصصان به آنها پرداخته شده است
تعریف و معنای خانواده
ثبات یا امکان تحول‌پذیری نهاد خانواده
نگران‌کننده بودن تغییرات
تنوع موجود در اشکال خانواده
کیفیت سیاست‌های حمایت از خانواده
عملکرد سیاست‌های حمایت از خانواده
واقعیات مغفول در سیاست‌های حمایت از خانواده
هم‌زیستی
آتیة نهاد خانواده در ایران

در موضوع معنای خانواده

در حالی که سه تن از متخصصان، معنای معمول و سنتی خانواده را واگویه کرده‌اند، پنج تعریف متفاوت نیز طرح شده‌اند، که متضمن توجه به مضامین ذیل هستند:

- پدرسالاری؛
- دلالت‌های سنتی و مدرن؛
- هویتی‌شدن حیات خانوادگی؛
- اصالت محیط خانواده؛
- و مواجهه خانواده هسته‌ای با اشکال نوپدید حیات خانوادگی.

تحولاتی که طی سال‌های اخیر در حوزه سیاست‌گذاری نهاد خانواده در ایران شناسایی شدند (عزیزی، ۱۳۹۱) به درجات گوناگون با تضعیف الگوی پدرسالارانه و تجدیدنظر در پاره‌ای سنت‌ها مرتبط بودند، اما هویتی‌شدن تعریف خانواده همچنان فاصله فراوانی با این تحولات دارد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد تعریفی را که فعال سیاسی- رسانه‌ای از خانواده ارائه کرده است، باید از آن دست تعاریفی دانست که متضمن معنایی فراتر از واژه‌های عرضه شده است. او با اشاره به این تعریف، کانونی برابری- محور و انسان‌مدارانه در نظر دارد که می‌توان آن را از افق‌های پیش‌روی سیاست‌های مزبور دانست. تعریف فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۸)، که خانواده هسته‌ای را در برابر الگوهای تازه حیات خانوادگی قرار می‌دهد، از این نظر

جالب توجه است که در واقع، برای الگوهای مزبور تعریف تازه‌ای را طلب می‌کند. پرسش مهم او این است که آیا ضرورتی دارد که به هر شکل تازه‌ای از حیات خانوادگی عنوان «خانواده» بدهیم؟ موضع این شخص تضاد شایان تأملی با موضع فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۷) دارد که با به‌میان‌آوردن مقولهٔ هویت، خواستار بهره‌مندی الگوهای نوپدید از منابع مشروعیت خانواده است.

در موضوع ثبات یا تحول‌پذیری نهاد خانواده

در موضوع ثبات یا تحول‌پذیری نهاد خانواده تنوع جالب توجهی در آرای متخصصان وجود دارد:

- وجود جریانی تحول‌خواه که در برابر سیاست‌گذاری‌های محافظه‌کارانه مقاومت می‌کند؛
- ثباتی که ناشی از فقدان جایگزین‌های کارکردی است؛
- تحولی که محدود به ثبات در دامنهٔ سرمشق سنتی است؛
- تحول «ناگزیر»ی که ناشی از چالش‌ها و دشواری‌های اقتصادی- اجتماعی است؛
- تأکید بر ثبات تعریف و اشکال خانواده در ایران به ضرورت قانون، سنت و عرف؛
- تحول مستمری که بستر عرفی و اجتماعی دارد؛
- تحولی که لزوماً در تضاد با الگوی سنتی نیست؛
- تحولی که متأثر از سطح کارکردی بودن الگوهای جدید است.

فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۶) و مدیر اجرایی (مصاحبه‌شونده شماره ۴)، هر دو، از ثباتی سخن گفته‌اند که حتی مرور سیاست‌های موجود نیز از منتفی بودن آن خبر می‌دهد. متخصص دانشگاهی و مسئول اجرایی (مصاحبه‌شونده شماره ۳) معنای تحول را در تنوع منطقی الگوی سنتی مستحیل کرده است. معنایی که صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) برای تحول ارائه کرده است، این پرسش را در پی دارد که آیا روند آتی تحولات نیز متأثر از سطح برخورد سرمشق مستقر با دشواری‌ها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد بود؟ این پرسش مهم است؛ زیرا در تعریف‌های صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) و فعالان رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شوندگان شماره ۶ و ۷)، اشاره‌ای ضمنی به شکل‌گیری تحولی وجود دارد که لزوماً از وجود دشواری‌ها ریشه نمی‌گیرد، بلکه ناشی از ترجیح الگوهای نوپدید به الگوی سنتی است. با این اوصاف، ادعای فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۵) مبنی بر اینکه بازتفسیر الگوی سنتی می‌تواند بخش مهمی از الگوهای نوپدید را به دایرهٔ مشروعیت

بیاورد بسیار اهمیت دارد؛ زیرا توجه به چنین نظری عملاً سطح استقبال حاملان الگوهای نوپدید از برخورداری از مشروعیت دینی، حقوقی و اجتماعی را روشن خواهد کرد.

در موضوع نگران‌کننده بودن تغییرات

کارشناسی که ثبات را به ضرورت قانونی-عرفی-سنتی وصل کرده و درواقع از تأمل درباره تحول خودداری کرده بود، از اظهارنظر درباره نگران‌کننده بودن تغییرات نیز سر باز زده است. کارشناس دیگری هم که برای خانواده ثبات کارکردی قائل بود نگرانی خود را از تغییراتی ابراز کرده است که ربطی به موضوع تغییرات الگوی زندگی خانوادگی ندارند. بقیه متخصصان در این باره آرای متنوعی داشته‌اند:

- مسئله‌انگیزی و بحران‌زایی تداوم الگوی سنتی؛
- مسئله‌انگیزی شکل‌گیری تغییرات در خلأ سیاست‌های ارضا و کنترل جنسی؛
- مسئله‌انگیز شدن تغییرات در خلأ سیاست‌های عادلانه، انسانی و فعالانه؛
- مسئله‌زاشدن روبه‌فزونی فقدان سیاست‌گذاری برای پذیرش تغییرات؛
- مسئله‌زاشدن تغییرات در تداوم بحران عدم مشروعیت؛
- مسئله‌زاشدن فقدان سیاست‌گذاری برای تعامل الگوی سنتی و الگوهای جدید.

یکی از مسئولان اجرایی از تغییرات این حوزه نگران نیست و همین خود نکته شایان تأملی است. صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) از مسئله‌زاد بودن تداوم الگوی سنتی سخن گفته است. اینکه آیا بازتفسیر دامنه مشروعیت در الگوی سنتی به کاهش بحران خواهد انجامید، یا آنکه اساساً مقابله با بحران در گرو خروج از الگوی سنتی و پذیرش واقعیت الگوهای نوپدید است. متخصص دانشگاهی و مسئول اجرایی (مصاحبه‌شونده شماره ۳) «علاق» جوانانی را که به الگوهای به‌جز تأهل روی می‌آورند، به علقه جنسی و اندامی محدود کرده است که به‌نظر مشابه با نظری است که حامیان «تسریع ازدواج» عرضه می‌کنند. اشاره بعدی او به متعه، به‌مثابه راه‌حل ارضای جنسی، نیز مشمول همین قضاوت است. در پاسخ به این پرسش، صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) تفاوت جدی خود را با صاحب‌نظر دانشگاهی دیگر و فعالان رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شوندگان شماره ۶ و ۷) و البته، قرابت فکری خود را با نظر فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۵) نشان داده است. به‌زعم این استاد دانشگاه، در صورتی تغییرات مایه نگرانی خواهند بود که سیاست‌های درحال تدوین و اجرا همچنان از عناصر متعالی عدالت و برابری محروم باشند. البته، فعال سیاسی-رسانه‌ای همچنان بر مسئله بحران ناشی از باقی‌ماندن تعداد زیادی از جوانان در محدوده برچسب‌پذیری عدم مشروعیت

تأکید کرده است. موضع فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۷) را از این جهت که بر ضرورت پذیرش تغییرات تأکید ندارد و صرفاً از تنش حتمی میان سیاست‌های کنونی و الگوهای نوپدید سخن می‌گوید، باید از موضع فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۶) و صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۲) متمایز کرد. در بازگشت به سیاست‌های مرور شده و نیز تعهد پژوهش حاضر در ارزیابی و تحلیل واقع‌گرایانه سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده، باید پذیرفت که مواضع فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۷) و صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) به‌همان اندازه از ظرفیت جمهوری اسلامی خارج‌اند، که دادن نسبت «ثبات» به خانواده و قطعی‌دانشتن الگوی سنتی زندگی خانوادگی در ایران نادرست به‌نظر می‌رسد.

در موضوع تنوع اشکال خانواده

کارشناسی که درباب بحران اخلاقی در خانواده ایرانی ابراز نگرانی کرده بود، همچنان با اشاره به الگوهای فردگرایانه، از پرداختن به اصل موضوع تنوع در اشکال خانواده خودداری کرده است. کارشناسی که کاربرد نام‌نوسی از «تیپ ایدئال» را برای دفاع از الگوی سنتی در دستور کار خود قرار داده است نیز از اشاره به اصل موضوع سر باز زده است. کارشناسی که از موضع «حاکمیتی» و با تمسک به ضرورت قانونی از الگوی سنتی دفاع می‌کند، در همان محدوده نیز تنوع را معنا کرده است. بقیه کارشناسان آرای متفاوتی داشته‌اند:

- تنوع فراوان و متمایل به اشکال جدید؛
- تنوع ناگزیر؛
- تنوع فراوان و برخوردار از منطق عرفی و اجتماعی؛
- تنوع تفسیرپذیر در بستر مفهومی سنت؛
- تنوع زندگی خانوادگی با وجود برخورد با الگوی سنتی خانواده.

مروری بر سیاست‌ها و قوانین موجود در حوزه خانواده نشان می‌دهد که تنوع اشکال به آنچه صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) و فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۷) می‌گویند نزدیک است. ازسوی دیگر، باید پذیرفت که گام اول برای پاسخ به نگرانی صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۲) و یکی از فعالان رسانه‌ای- مدنی درباره اهمیت رفع انفعال سیاست‌گذارانه و حقوقی موجود، مواجه شدن با صورت مسئله است و همین رویارویی، نظام جمهوری اسلامی را برای مواجهه احتمالی با واقعیاتی فراتر از تصورات کنونی مهیاتر خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد فعال رسانه‌ای- مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۸) پیشاپیش با

ارائه ایده استقلال محتوایی، معنایی و بالتبع حقوقی و اجرایی این الگوهای نوپدید، در واقع، بدیلی شایان تأمل برای مواجهه مزبور عرضه کرده است.

در موضوع کیفیت سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده در ایران

کارشناسی که از ضرورت قانونی و عرفی ثبات الگویی سخن گفته است از ارزیابی هم خودداری کرده است. آرای بقیه صاحب‌نظران متنوع است:

- مردسالارانه و مخرب ظرفیت‌های تحول حقوقی؛
- منفعل در حمایت از ثبات الگوی سنتی؛
- ناکارآمد، «زنانه» و غیرواقعی‌گرایانه؛
- مردسالارانه، منفعل در برابر تهدیدها، «کژکارکرد»^۱ و غیرواقعی‌گرایانه؛
- بی‌ربط با «امر واقع»، «متضاد» با «مطالبات» جدید، ضعیف و آسیب‌زا؛
- «مردساخته» و «مردسالارانه»، «اضطراری» و غیرواقعی‌گرایانه، ضعیف؛
- «تبعیض‌آمیز»، غیرواقعی‌گرایانه، «انتزاعی»، مردسالارانه.

صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) این نکته بسیار مهم را مطرح می‌کند که تداوم الگوهای مردسالارانه عملاً خانواده‌هایی را نیز همواره با احتمال و تهدید استفاده مردان از «مزیت»‌های حقوقی روبه‌رو کرده است که می‌توانند به واسطه قرابت‌های فکری و رفتاری عرصه برابری و عدم تبعیض باشند. جالب توجه اینکه اشاره به مسئله ناامنی را می‌توان در آرای فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۶) نیز مشاهده کرد که در میان فعالان رسانه‌ای موضع محافظه‌کارانه‌تری دارد. به این دلیل که این فعال رسانه‌ای-مدنی خواستار خروج سیاست‌گذاری‌ها از انفعال و عملکرد آنها در حفظ امنیت خاطر زنان در محیط خانواده می‌شود. بررسی سیاست‌ها با نیت یافتن مستمسک‌هایی که این دو نفر «تهدیدآمیز» خوانده‌اند، به انبوهی از قوانین می‌انجامد که قضاوت و مجریان قوانین می‌توانند در تفسیر آنها رویکردی «عادلانه» نداشته باشند. سلب صلاحیت از ولی یا قیم بی‌کفایت، و نیز شرایط پیش‌روی زنان برای اثبات «عدم سازگاری» با شوهر، از جمله این قوانین هستند. یکی از مسئولان اجرایی با «زنانه» خواندن سیاست‌ها، به نوعی وجود تبعیض را زیر سؤال می‌برد، اما با بی‌ربط‌خواندن آنها با امر واقع، راه را برای بررسی واقعیات باز گذاشته است. اصرار فعال رسانه‌ای (مصاحبه‌شونده شماره ۶) بر اشاره به مطالباتی که این سیاست‌ها پاسخگوی آنها نیستند، نشان‌دهنده انسجام گفتمانی است، اما دست‌کم از این نظر که

1. Dysfunctional

صرفاً با استناد به شواهد به مطالباتی فراتر از ظرفیت سیاست‌ها اشاره می‌کند، درخور نقد است. درعین حال، باید پذیرفت که نظر فعالان رسانه‌ای-مدنی و صاحب‌نظران دانشگاهی در نفی کیفیت سیاست‌های موجود بسیار به یکدیگر نزدیک شده است.

در موضوع عملکرد سیاست‌ها در حمایت از نهاد خانواده

هیچ ارزیابی مثبتی قابل تشخیص نیست:

- تأثیرات حاشیه‌ای در موضوع متعه، بی‌تأثیر بر فرآیندهای تحقق ازدواج؛
- تأثیرات اندک به‌واسطه «مردساخته» بودن؛
- تأثیرات منفی به‌دلیل دولت‌محوری در سیاست‌گذاری برای حریم خصوصی؛
- بی‌تأثیر یا دارای تأثیرات منفی به‌دلیل تقویت سنن آسیب‌زا؛
- کم‌تأثیر به‌واسطه فقدان سیاست کلی ابلاغی از رأس نظام سیاسی؛
- اکثراً بی‌تأثیر یا حتی آسیب‌زا به‌دلیل ضعف دانش، غفلت از پیامدها و کیفیت نازل؛
- بی‌تأثیر یا ناکارآمد به‌دلیل اساس تبعیض‌آمیزشان و سلطه جنسیتی و غفلت از دانش سیاست‌گذاری؛

• تأثیرات حاشیه‌ای در اجتماعات خرد و روستایی، ناکارآمد به‌واسطه نگاه عمودی و انتزاعی. استاد دانشگاه (مصاحبه‌شونده شماره ۱) به نکته جالب توجهی در موضوع متعه اشاره می‌کند: اضافه‌شدن نظارت شرعی بر سازوکار تحقق روابط جنسی موقت نتایج مثبتی دارد. این موضوع تداعی‌کننده اصرار فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۵) به برخورداری شرع از چنین ظرفیتی است. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۶) نیز در ادامه توجه به «مردپسند» بودن سیاست‌ها، همین امر را علت تأثیر اندک آنها دانسته است. یکی از مسئولان اجرایی، که در موضوع کیفیت سیاست‌ها با استفاده از تعبیر «زنانه» کاملاً از دیگران مستثنی شده بود، با طرح مقوله «دولت‌محوری» تلاش کرد موضوع را به بطن دانش سیاست‌گذاری ببرد. این تلاش با نتایج بررسی سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده هم‌خوانی جالب توجهی دارد که حاکی از نقش‌آفرینی اندک دولت در تحول‌زایی‌های حقوقی و البته، عطف توجه آن به رویکردی اقتصادی-هزینه‌ای است (عزیزی، ۱۳۹۱). دیگر صاحب‌نظر دانشگاهی، با اشاره به موضوع سنتی که حذف آن ضروری است، سنت را موجودیتی تاریخی می‌داند که تداوم حیات آن در گرو تجدیدنظر در بخش‌هایی است که با واقعیت‌های کنونی سازگاری ندارند. انکار نمی‌توان کرد که چنین برداشتی انطباق فراوانی با واقع‌گرایی ضروری برای بهبود سیاست‌ها در چارچوب نظام مستقر دارد. مدیر اجرایی دوم، با ارجاع موضوع ارزیابی عملکرد به مقوله خلأ

«ابلاغ» از رأس نظام سیاسی، علاوه بر آنکه کاملاً از موضوع خارج شده، امکان سیاست‌گذاری برای بخش‌ها و زیربخش‌های گوناگون را نیز زیر سؤال برده است. اشاره فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۷) به «پیامد»ها را شاید بتوان با یادآوری تأکید او بر وجود پاره‌ای از مطالبات بی‌پاسخ بهتر درک کرد. درحالی‌که فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۵) موضع نفی تبعیض و سلطه را پی‌گرفته، دیگر فعال رسانه‌ای-مدنی، با اشاره به تأثیر انکارناپذیر سیاست‌های موجود در اجتماعات غیرشهری، کوچک و روستایی، خلأ سیاست‌گذاری برای محیط شهری را، که درواقع عرصه اصلی ایجاد چالش‌های متنوع با الگوی سنتی است، متذکر شده است. اجماع تقریبی صاحب‌نظران، مبنی بر ضعف عملکرد سیاست‌ها نیز، همچون اجماع درباره کیفیت آنها، شایان توجه است.

در موضوع واقعیت‌های مغفول در سیاست‌ها

کارشناسی که برای ثبات ضرورت قانونی و عرفی قائل بود اظهارنظری نکرده است. در آرای صاحب‌نظران دیگر تنوع مشهودی وجود دارد:

- قدسی‌نبودن ازدواج و خانواده، پایان قطعی دوران تسلط الگوی سنتی؛
- تمایل مردان به انحراف و کاهش تعهدات اخلاقی-خانوادگی؛
- ضرورت و حساسیت سیاست‌گذاری برای حریم خصوصی و جنسی؛
- گسترش ازدواج‌گزیزی و افزایش پیامدهای منفی سنت‌های غیرعقلانی؛
- پیامدهای منفی سیاست‌ها، افزایش ازدواج‌گزیزی؛
- قبح عمومی ترویج چندهمسری، ناعادلانه‌بودن سیاست متکی بر زبان سلطه؛
- تثبیت نابرابری در الگوی سنتی خانواده، کاهش قبح طلاق.

استاد دانشگاه (مصاحبه‌شونده شماره ۱) با نگاهی جامعه‌شناختی تفسیری «غیرقدسی» از نهاد خانواده دارد و از این جهت مکمل گفتمان قدسی موجود است. به نظر می‌رسد ایجاد زمینه‌های پذیرش موضع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مکمل بهتری برای تبیین‌های دینی ارائه‌شده از نهاد خانواده باشد که البته، با ضرورت سیاست‌گذاری در چارچوب نظامی اسلامی تناسب بیشتری دارد. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۶)، که محافظه‌کارتر است، در ادامه روند خروج خود از سرمشق سنتی، نسبتی ذاتی به مردان داده و خواستار غفلت‌نکردن از آن شده است. طرح چنین ادعایی از سوی کسی که خواستار تثبیت الگوی سنتی خانواده است بسیار جالب توجه است. استاد دانشگاه و مسئول اجرایی (مصاحبه‌شونده شماره ۳) با ادعای سیاست‌گذاری برای حریم‌های خصوصی و جنسی مجدداً از دیگران متمایز شده است. خانواده، به‌مثابه ابزار کنترل جنسی، راهبردی است که او در جایی دیگر به آن اشاره

کرده و سپس، به متعه بازگشته و آن را راه‌حل مقابله با مشکلات جنسی دانسته است. «ازدواج‌گریزی» ادعای مشترک یکی از فعالان رسانه‌ای-مدنی و یکی از استادان دانشگاه است که البته، برای استاد دانشگاه مرتبط با مقوله سنت‌های آسیب‌زا و برای آن فعال رسانه‌ای-مدنی مرتبط با غفلت از پیامدهای سیاست‌هاست. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۵)، با اشاره به قبح چندهمسری، در واقع، ادعا کرده است که آنچه از سوی دستگاه‌های مستقر مجوز شرعی می‌گیرد، لزوماً از مشروعیت عرفی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار نخواهد شد. مرتبط‌کردن موضوع تنوع منابع مشروعیت، به «زبان سلطه»، از سوی همین فرد، از این نظر درخور توجه است که بدین ترتیب می‌توان از وجود گفتمان مسلطی سخن گفت که تفسیر مقوله مشروعیت را در انحصار خود گرفته است. تشخیص چنین گفتمانی، با بدیلی سازگار است که این فعال سیاسی برای گسترش دامنه مشروعیت پیشنهاد می‌کند. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۸)، با اشاره به ازبین‌رفتن قبح طلاق، مجدداً نظری متمایز از دیگران دارد که خود می‌تواند موضوعی شایان پژوهش و بررسی باشد. برحسب این ادعا، ممکن است گرایش به کاربرد آزمایشی روابط جنسی، از صورت غیررسمی خارج شود و در قالب راهرفت‌های قانونی تجلی کند.

در موضوع هم‌زیستی

کارشناسی که مردان را متمایل به انحراف و عدم تعهد می‌بیند، هم‌زیستی را نیز الگویی می‌داند که نهایتاً فقط برای مردان مطلوب است. متخصصی که استفاده‌ای خاص از مفهوم تیپ ایدئال کرده است، بدون اشاره به منبع خاصی، هم‌زیستی را میان مردان مجرد یا متأهل و زنان اغلب مجرد رایج دانسته است. کارشناسی که در بحث ثبات الگوی خانواده موضعی حاکمیتی داشت، هم‌زیستی را به‌گونه‌ای تبادل جنسی موقت و التذاذی تعبیر کرده است. آرای صاحب‌نظران دیگر شایسته تأمل است:

- تنوعی که از عرف و حتی قانون نیز تغذیه می‌شود؛
- واکنشی به عجز از ازدواج؛
- تنوعی روبه‌گسترش که بسترهای عرفی و اجتماعی را به‌کار می‌گیرد؛
- واکنشی به دشواری‌های پیش از ازدواج که سزاوار انگ «انحراف جنسی» نیست؛
- پدیده‌ای که به‌نظر می‌رسد در استقلال از نهاد خانواده بهتر تعریف خواهد شد.

صاحب‌نظر دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱)، با اشاره به اینکه قانون را نباید سدی مستحکم در برابر تحولات الگویی دانست، متذکر شده است که برای استفاده از عرف و قانون و استفاده از حداقل‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، راه‌های متعددی پیش‌روی حاملان الگوهای نوپدید

قرار دارد. دیگر صاحب‌نظر دانشگاهی، با محدود کردن هم‌زیستی به واکنشی در برابر عجز از ازدواج، همچنان، نظری نزدیک به فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۵) دارد، هرچند اشاره او به دشواری‌های پیش از ازدواج موسع‌تر به‌نظر می‌رسد. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۷)، همچون اشارات پیشینش به مطالبات و پیامدها، این‌بار نیز با ادعای حیات عرفی و اجتماعی هم‌زیستی، به‌طور ضمنی، از شکل‌گیری الگوهایی از حیات سخن گفته که در واقع باید در انتظار تجلی بیشتر آنها پس از افزایش دامنه مشروعیت بود. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۸)، با تکرار ایده خودداری از فراخوانی الگوهای برآمده از هم‌زیستی به‌منزله خانواده، در واقع پیشنهاد کرده است که این الگوها جایگاهی قانونی و سیاستی بیابند تا از ملاحظات شرعی و کارکردی خانواده رها باشند.

در موضوع آتیة نهاد خانواده در ایران

کارشناسی که حامی حفظ الگوی مبتنی بر تعهد اخلاقی و جنسی است، از محفوظ‌بودن نهاد خانواده سخن گفته است. کارشناسی که خواستار سیاست‌گذاری برای حریم خصوصی و جنسی است، آینده نهاد خانواده را با یادآوری کارکرد تعادل‌بخش جنسی آن مثبت دانسته است. کسی که بهبود سیاست‌های پراکنده را در گرو ابلاغ سیاست‌های کلی می‌داند، تداوم الگوی سنتی را نیز یگانه‌شکل‌تصورپذیر دانسته است. بقیة صاحب‌نظران آرای متنوعی دارند:

- تنوع در اشکال، رواج ناپایداری خانوادگی؛
 - تضعیف نهاد خانواده، به‌واسطه ضعف سیاست‌گذاری؛
 - تنوع بدون محدودیت الگوها و اشکال؛
 - فروپاشی نهاد خانواده در صورت تداوم کاربست زبان سلطه و سیاست مبتنی بر تبعیض؛
 - تنوع اشکال، خاصه آنها که با خانواده فاصله دارند و افزایش مقبولیت عرفی الگوهای جدید.
- استاد دانشگاه (مصاحبه‌شونده شماره ۱) به رواج ناپایداری خانوادگی اشاره کرده که تداعی‌کننده کاهش قبح طلاق است. به‌نظر می‌رسد، الگوی سنتی باید اقدامی بیش از «طلاق‌ستیزی» را در دستور کار خود قرار دهد؛ زیرا نهایتاً چنین راهکاری صرفاً ارشادی است و نمی‌توان آن را به سطحی قانونی یا اجرایی ارتقا داد. جواهری از حدی از تنوع سخن گفته که دست‌کم با داده‌های کنونی بعید به‌نظر می‌رسد. فعال سیاسی-رسانه‌ای به‌صراحت از فروپاشی نهاد خانواده سخن گفته، که با مرور مواضع پیشین او، نشان‌دهنده جدی‌شدن فاصله میان دو گفتمان شریعت‌محور است، درحالی‌که گفتمان مسلط به تداوم راهبردهای مبتنی بر گرامی‌داشت شعاری خانواده و جلوگیری از نقد الگوی سنتی در ساحت‌های گوناگون اصرار

دارد. گفتمانی که او آن را نمایندگی می‌کند، نگران سقوط کامل الگوی سنتی و ازدست‌رفتن ظرفیت‌هایی است که می‌توانند مجال زیست توأمان الگوی سنتی و الگوهای نوپدید را فراهم کنند. فعال رسانه‌ای-مدنی (مصاحبه‌شونده شماره ۸) از تنوع اشکال سخن گفته، اما پذیرفته است که ممکن است این تنوع صرفاً از مقبولیت عرفی برخوردار باشد. توجه به این نکته از این جهت اهمیت دارد که احتمالاً می‌توان برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های پس از افزایش دامنه مشروعیت را مطابق همین دیدگاه پی‌گرفت: اینکه الگوهای نوپدیدی که با وجود برخورداری از جدیت و پایداری، خواهان برخورداری از مشروعیت نیستند، همچنان جایگاه و البته پیامدهای حقوقی معین داشته باشند. با توجه به تمایزهای شناسایی‌شده میان مواضع صاحب‌نظران و نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌های سیاست‌های مطالعه‌شده، می‌توان با اتکا بر پاره‌ای گزاره‌های کلیدی دامنه تحلیل را تعیین کرد.

تغییرات وجود دارند، و به‌جای انکار، باید فعالانه برای مواجهه با آنها سیاست‌گذاری کرد.

پذیرش ضرورت سیاست‌گذاری مترادف با اتخاذ موضع سلبی در برابر تحولات نیست.

پذیرش ضرورت سیاست‌گذاری مستلزم مداخله عقلانی در ساحت امر واقع است.

آتیة نهاد خانواده در ایران در مخاطره ناسازگاری با تحولات اجتماعی و اقتصادی است.

می‌توان موضع گسترش دامنه مشروعیت را جایگزین موضع نفی اشکال جدید کرد.

منطق مداخله در امر واقع همچنان متأثر از واقعیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

نتایج پژوهش

سه رویکرد در آرای متخصصان شناسایی شده است: گروهی از متخصصان رویکردی محافظه‌کارانه دارند و خواهان بازگشت به ثبات خانواده در دوره سنتی هستند، درحالی‌که این دیدگاه با نگاهی به روند مدرنیزاسیون و تغییر سبک زندگی در ایران طی دهه‌های گذشته هم‌خوانی ندارد. جالب توجه اینکه، کسانی با قاطعیت چنین موضعی را مطرح کردند که یا در رأس یکی از تأثیرگذارترین نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه خانواده مشغول به فعالیت بودند یا در

حوزه خانواده سابقه اجرایی طولانی داشتند. این گونه تأکید بر مواضع واپس‌گرایانه، که درصدد بازگرداندن جامعه به مسیری است که از آن عبور کرده یا درحال گذار از آن است، منطقی به نظر نمی‌رسد. نادیده گرفتن واقعیت‌ها و انکار آنها، به تعویق انداختن چاره‌اندیشی و تمسک به توجیه «فراگیر نبودن هم‌زیستی در جامعه ایران» صرفاً به تشدید مشکلات و نارسایی‌های ناشی از نپرداختن به موقع به این دست مسائل منجر می‌شود. در این رویکرد، می‌توان ردپایی از نگاه پارسونزی به خانواده را دید، نگاهی که تقسیم کار جنسیتی (مرد نان‌آور و زن مراقبت‌کننده از فرزندان و تأمین‌کننده نیازهای عاطفی) در خانواده را طبیعی و ثابت می‌بیند و همین شکل را یگانه‌بديل کارکردی خانواده می‌داند. این رویکرد محافظه‌کارانه تا جایی پیش می‌رود که حتی سوییۀ «کارکردی» نظریۀ پارسونز به تقسیم کار سنتی در خانواده را به دلیل ذاتی دانستن ارزش خانواده و جایگزین‌ناپذیری کارکرد خانواده اساساً نفی می‌کند. با این حال، جالب توجه است که حق‌شناس، به شکلی متناقض، به رغم قدسی‌انگاری و جایگزین‌ناپذیری خانواده، به کارکردی بودن آن در ممانعت از فحشا اشاره می‌کند و در اینجا عملاً به تحلیل کارکردی متمایل می‌شود و با طرح خصوصياتی مانند وجود سلسله‌مراتب قطعی و حقوق متقابل نشان می‌دهد که این تمایل از علقه‌های مشخصی نیز برخاسته است.

جهت‌گیری دیگری درمیان گروهی از متخصصان دیده می‌شود که دقیقاً در نقطه مقابل این دیدگاه قرار می‌گیرد. این نوع نگاه با اینکه مسئله را می‌بیند و به‌درستی آن را تشخیص می‌دهد، با رویکرد واکنشی و افراطی به سراغ مسئله می‌رود. نتیجه اینکه، این گروه نه تنها زمینه حل مسئله و فرارفت از وضعیت کنونی را فراهم نمی‌آورد، بلکه با نادیده گرفتن میزان ظرفیت پذیرش تغییر در قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، محافظه‌کاران و مدافعان رویکرد سنتی را به موضع‌گیری سرسختانه‌تری وامی‌دارد. این دست دیدگاه‌ها بیشتر متعلق به فعالان عرصه مدنی و رسانه‌ای است که با اینکه به دلیل ارتباط بی‌واسطه با بدنه جامعه، پاره‌ای از مسائل و مشکلات را به‌درستی و حتی زودتر از دیگران تشخیص داده‌اند، پیشنهادهایشان با ظرفیت کنونی قانون‌گذاری در ایران هم‌خوانی چندانی ندارد.

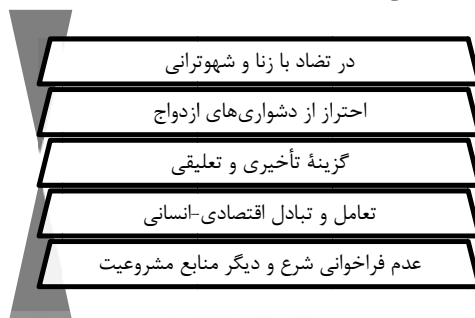
رویکرد سوم، که تأیید و تأکید این پژوهش را نیز با خود دارد، بیشتر به برخی صاحب‌نظران دانشگاهی و فعالان سیاسی متعلق است. این کارشناسان با درک واقع‌بینانه از موقعیت و اذعان به لزوم پرداختن علمی و داشتن نگاهی فارغ از ارزش‌گذاری و تأکید بر لزوم پی‌گیری به‌موقع و هوشیارانه مسئله، موضع منطقی‌تری نیز در قبال تغییرات ممکن در نظام حقوقی ایران دارند. در نظر این گروه، مرور ویژگی‌های پاره‌ای از اشکال هم‌زیستی، که به الگوی تورنتون نزدیک است، نشان می‌دهد که روابط جدی هم‌زیستانه را نمی‌توان، به صرف عدم فراخوانی منابع مشروعیت،

مصادق فحشا دانست. اما در ایران، فرآیندی که طی آن هر رابطه‌ای با هر سطحی از پایداری، استمرار و کارکرد بتواند از چنین جایگاه حقوقی و پذیرفته‌شده‌ای برخوردار شود طی نشده است. این موضوع از حساسیتی شگرف برای تحلیل نهایی پژوهش حاضر برخوردار است. از سوی دیگر، نمی‌توان روابطی را که پایدار نیستند روابطی جدی و برخوردار از مشروعیت عرفی قلمداد کرد. آنچه درباره وضعیت کنونی هم‌زیستی در ایران اهمیت دارد، انفعال پیرامون آن دسته از روابط جدی، پایدار، مستمر و کارکردی‌ای است که، با وجود این ویژگی‌ها، تفاوت حقوقی خاصی با مجرد ندارند.

این گروه از صاحب‌نظران، به واسطه نوع نگاهشان به مسائل فقهی، از ضرورت گسترش دامنه مشروعیت و اتخاذ رویکردی سخن می‌گویند که از طریق آن می‌توان تعداد زیادی از جوانان را از احتمال برچسب‌خوردن و بیرون‌افتادن از حلقه پذیرش عرف و قانون مصون داشت. از نظر اینها، واکاوی برخی از این هم‌زیستی‌ها نشان می‌دهد که آنها به دلیل داشتن پاره‌ای از اشتراک‌ها با خانواده مشروع، امکان چاره‌اندیشی و بازگشتن به مدار عرفی، قانونی و شرعی را دارند. مسئله حاملان این گونه از رابطه این است که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند رابطه‌شان را، که فراتر از سطح تبادل جنسی و «تعاملی ازدواج‌گونه» است که شکل اضطراری ندارد و اغلب نتیجه تشریک مساعی برای مقابله با دشواری‌های اجتماعی و اقتصادی است، به متعه فروبکاهند که توافقی مالی، جنسی، اضطراری و یک‌سویه است. اشاره به پژوهش میرخانی (۱۳۷۹) به منظور تأکید بر همین ویژگی‌های متعه صورت گرفت: رابطه‌ای که چنان جنسی- اقتصادی است که کاملاً محتمل است ترویج آن به شیوع معنایی بی‌ربط با پیشینه و تبارش بینجامد. به تعبیر میرخانی، متعه به مثابه رابطه‌ای اضطراری ایجاد تعلق خاطر را تضمین نمی‌کند، بلکه صرفاً توافقی موقت است که در پایان آن هیچ تعهدی برای دو طرف رابطه باقی نمی‌گذارد. این ادعای میرخانی که متعه کاملاً مستعد تبدیل شدن به ابزار کام‌جویی‌های مکرر جنسی است در هماهنگی با دیگر ادعای او است که متعه را ابزار مناسبی برای ترویج تعهد نمی‌داند. درحالی که درمیان سیاست‌های حوزه خانواده در ایران، هیچ سیاستی را نمی‌توان یافت که اشاره‌ای به چگونگی حمایت حقوقی از هم‌زیستی مجددانه، پایدار و مستمر کرده باشد. درمیان کارشناسان، یک فعال سیاسی- رسانه‌ای، با وقوف به شکاف نظری پیش‌گفته، کوشیده است برای گسترش دامنه مشروعیت، به نحوی که روابط مزبور مصادق فحشا نباشند، بدیلی پیشنهاد کند.

بنابراین، به دلایل پیش‌گفته، در بسیاری از موارد زوج‌های هم‌زیست ممکن است خواستار حفظ فاصله هویتی با سازوکارهای مشروعیت‌بخشی چون متعه باشند که در آن صورت باید چگونگی تأمین مشروعیت آن الگوها را نیز بررسی کرد. با چنین شرحی از پیشینه و تعریف

ازدواج موقت، می‌توان جایگاه روابط هم‌زیستانه‌ای را تشریح کرد که از ویژگی‌های جدیت، پایداری، استمرار و تشریک مساعی برخوردارند:



ویژگی‌های هم‌زیستی جدی، پایدار و مستمر

الگوی تورنتون و همکاران (۲۰۰۷) تنوع ارزشی حاملان هم‌زیستی را دربرمی‌گیرد. این الگو حاصل توجه خاص به دو گونه مهم از روابط هم‌زیستانه است: گونه نخست، روابط هم‌زیستانه را چنان پیش می‌برد که اطلاق واژه رابطه به آن دشوار است، درحالی‌که گونه دوم، چنان در رابطه راسخ است که عموم را به ادراک آن به‌مثابه گونه‌ای وامی‌دارد که در مسیر تبدیل شدن به رابطه‌ای رسمی است (ر.ک: تورنتون و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۹). روشن است که بسترهای قانونی و حقوقی موجود در جمهوری اسلامی هم‌زیستی را نقطه مقابل تأهل می‌داند. باین‌حال، این نکته نیز شایان توجه است که به‌جز بدیل نخست (که در مبانی نظری به آن اشاره شد) و هم‌زیستی را صرفاً گونه‌ای از مجرد می‌شمرد، سه بدیل دیگر از قابلیت گفت‌وگو با بسترهای مزبور برخوردارند. خاصه، باید بدیل چهارم را از این جهت که جدیت را به‌مثابه معیاری برای تشخیص روابط هم‌زیستانه و تأهل در کانون توجه قرار می‌دهد، بیشتر مطالعه کرد. با این توضیحات، دو مسئله کاملاً متفاوت پیش‌روی سیاست‌گذاران نظام جمهوری اسلامی است:

- چگونه روابطی را که ازدواج‌گونه‌اند باید به‌سوی ازدواج پیش برد؟
 - چگونه باید حاملان روابط گذرا را به فراخوانی شرع ترغیب کرد؟
- اینها پرسش‌هایی هستند که نمی‌توان با پاسخ‌هایی ساده آنها را به‌دست فراموشی سپرد.

منابع

آزادارمکی، تقی و همکاران (۱۳۹۰) «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره نهم، شماره ۲: ۱۳۵-۱۵۹.

- ببی، ارل (۱۳۸۶) *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- برناردز، جان (۱۳۸۸) *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی نظام‌گسیختگی خانواده و طلاق*، تهران: سلمان.
- حق‌شناس، سیدجعفر (۱۳۸۸) *آسیب‌شناسی خانواده*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴) *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- سگالن، مارتین (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مرکز.
- طلایی، مرتضی (۱۳۹۱) «زندگی مشترک افرادی که ازدواج رسمی نکرده‌اند عواقب خطرناکی دارد»، دسترسی <http://mortezataleai.ir>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۱/۳۰.
- عزیزی، مینا (۱۳۹۱) تحلیل سیاست‌های حمایت از نهاد خانواده در ایران با تأکید بر نسبت ازدواج و هم‌زیستی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، گرایش مطالعات جوانان، دانشگاه تهران.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- لطیفی، مارال (۱۳۹۰) *زندگی مجردی جوانان تهرانی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- محقق دایکندی، محمداکبر (۱۳۸۶) «ازدواج موقت در قرآن کریم»، *مجله سفیر نور*، شماره ۱: ۱۵۷-۲۰۲.
- محمدرپور، احمد (۱۳۸۹) *روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- میشل، آندره (۱۳۵۴) *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹) «مرزشناسی در ازدواج موقت»، *کتاب زنان*، شماره ۱۰: ۶-۲۳.
- Thornton, Arland, et al (2007) *Marriage and Cohabitation*, Chicago: The University of Chicago.